

● گزارش

تحریمهای اقتصادی: علل سیاسی و تأثیرات اقتصادی^۱

زد. در این جاست که روشن می‌شود تهدید بر اعمال تحریم، ممکن است مؤثرتر از اجرای آن باشد.

تحریمها، آسان‌تر از آنچه که انتظار می‌رفت

شگفت‌آور نیست، وقتی تحریمها بویژه تحریمهای یک جانبه را در این قالب مورد بررسی قرار می‌دهیم، مشاهده می‌کنیم که تأثیر چندانی نداشته‌اند. این مسئله هنوز برای همه ناظران حیرت‌آور است. اولاً، تحریم توسط کشورهای بزرگ صنعتی حامی دموکراسی بر ضد کشورهای غیردموکراتیک اعمال می‌شود؛

۱. این گزارش برگرفته از متن سخنرانی لارنس جی. گلداستین، رئیس بنیاد تحقیقات صنعت نفت در کنفرانسی که توسط این بنیاد با همکاری مؤسسه مطالعات خاورمیانه در ۲۹ آوریل ۱۹۹۶ در National Press Club در شهر واشنگتن برگزار گردید، می‌باشد.

انگیزه‌های سیاسی تحریمها

احتمالاً مسئله تحریمها از بعد سیاسی، تحت تأثیر جو انتخابات ریاست جمهوری آمریکا قرار گرفته و این در حالی است که تمیز مواضع احزاب بسیار دشوار خواهد بود. به لحاظ "عدم یکرنگی در مسائل سیاسی"، تعیین میزان آرای نامزدها کار آسانی نیست. همواره این امکان وجود دارد که ناخواسته در بازی خطرناک سیاسی اعضای کنگره و نامزد حزب جمهوری خواه که تلاش دارند دولت را شکست دهند، درگیر شویم. در بررسی مسئله تحریمها، نه فقط آگاهی از هدف این اقدام مهم است، بلکه دانستن اینکه تا چه حد احتمال موفقیت تحریم وجود دارد و به چه بهایی تمام می‌شود نیز اهمیت دارد. رشد چشمگیر آمریکا در زمینه تجارت، تحریمها را به یک ابزار سیاسی پرهزینه تبدیل کرده‌است و بیش از آنکه کشور تحریم شونده از آن زیان ببیند، به آمریکا ضربه خواهد

طول این مدت دوستان یا دشمنان دولت آمریکا را چه کشورهای تشکیلی خواهند داد، امکان‌پذیر نیست. متأسفانه دولت آمریکا به استفاده از تحریمها به عنوان یک ابزار روزمره در صحنه سیاست خارجی، تمایل نشان می‌دهد.

هر طرح سرمایه‌گذاری خارجی، باید مورد ارزیابی قرار گرفته و مشخص شود که تا چه حد قادر است در مقابل ریسک مقاومت کند.

امروزه، ریسک جدید، که منحصر به شرکتهای آمریکایی است، باید مورد ارزیابی قرار گیرد. دومین ارزیابی قابلیت ریسک اقتصادی-سیاسی و توانایی کشور خود شما بشمار می‌رود. تعیین قیمت صحیح این ریسک، شرکتهای آمریکایی را در پرداخت هزینه پروژه‌های خارجی غیرقابل رقابت می‌کند، بعلاوه اگر نهادهای وام‌دهنده این ریسک جدید را تعیین قیمت کنند، ممکن است سرمایه‌کافی در دسترس شرکتهای آمریکایی قرار نداشته باشد. با پذیرش ارزیابی دولت در این خصوص که کدام کشورهای خارجی مد نظر می‌باشند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اهداف آمریکا با استفاده از واحدهای خصوصی به عنوان "سپرحائل" به جای کاربرد زور در سیاست خارجی بهتر بر آورده می‌شود یا خیر؟

من در زمینه بازار نفت تخصص دارم و مایل‌م در اینجا مطالبی را پیرامون تحریمها و نفت ارائه دهم.

نخست اینکه در حال حاضر بازارهای نفتی در معرض تغییرات شدید و بنیادی قرار دارند. مدیریت انبار جهانی با کوچک شدن

کشورهایی که رهبران آنها اگر نگویم بر قلبها، مطمئناً بر مغزها، امواج رادیویی، جریان اطلاعات و هزینه‌ها کنترل دارند. درخصوص عراق که همه در مورد تأثیر تحریمها بر آن توافق دارند، به نظر من این تنها تحریمها نبود که در موفقیت آمریکا نقش داشت، بلکه در کنار تحریمها دو موضوع بسیار مهم دیگر نیز مؤثر بود.

نخست اینکه جنگ نه تنها به ناپودی توان نظامی عراق، بلکه به انهدام زیربنای اقتصادی این کشور نیز کمک کرد. بنابراین، اگر نگویم یک دهه، سالها طول می‌کشد تا تحریمها به عنوان یک عامل مستقل به تنهایی تأثیرگذار شوند و حق اعزام بازرسان خارجی به عراق نیز در این مسئله دخیل بوده‌است. کاملاً روشن است که بدون وجود این دو عامل، "موفقیت" این تحریمها بشدت محدود می‌گردد.

تحریمها و فضای کنونی بازار نفت

اساس سیاست انرژی دولت آمریکا بر تنوع در عرضه استوار است. با وجود این، کشورهای عراق، لیبی و ایران تحت تأثیر تحریمهای آمریکا قرار دارند. حال کشور بعدی کدام است؟ پروژه‌های نفتی در کشورهای تازه استقلال یافته، از جمله آذربایجان و قزاقستان، بسیار سرمایه‌بر بوده و دوران طولانی رشد و توسعه را در پیش دارند. آنها به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری مستقیم نیاز دارند و ۵ تا ۱۰ سال طول می‌کشد، تا نفت و گاز در آن کشورها به جریان افتد. با این حال، دانستن این نکته که در

ولی در این مورد بسیار اغواکننده هستند. ایرانیان دارای تجربه هزار ساله در زمینه کشورداری بوده و به زیرکی "ماکیاولی" مشهور می‌باشند. آمریکا فقط دارای دو قرن تجربه جهانی و دچار فقدان ظرافت و زیرکی در سیاست خارجی خود است. در مواجهه فعلی میان دو کشور، این ویژگی‌های نمادین بیشتر به چشم می‌خورد. ایران که کشوری کوچک و فقیر در جهان سوم بشمار می‌رود، موفق‌تر از آمریکاست که همواره دچار اشتباهات بزرگ می‌شود.

اهداف ایران

بحث در مورد اهداف و مقاصد ایران به سبب آنکه در داخل این کشور نیز حل نشده باقی مانده‌است، ادامه دارد. اختلافات جدی در مورد اهداف آتی و بلندمدت میان هواداران آقای رفسنجانی و گروههای تندرو وجود دارد. همچنین مراکز قدرت دیگری نیز وجود دارند که با یکدیگر رقیب هستند. ولی اغلب از اهداف یکدیگر بی‌خبرند. بدین ترتیب، تمایل آقای رفسنجانی به ارائه تصویری میانه‌روتر و تلاش وی در افزایش حجم مبادلات تجاری ایران با اروپا با مسائلی از جمله فتوای امام(ره) در مورد سلمان رشدی محدود شده‌است. با وجود این،

بخشی از صنعت در جهت یک سیستم فکری روزآمد گام بر می‌دارد. این مسئله بطور مشخص با هدایت آمریکا انجام می‌شود، کشوری که در آن میزان سهام تجاری پایین است. فقدان ابزار تجاری، بازار را در مقابل نوسانات ناگهانی، بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد.

دوم اینکه، ظرفیت تولید ذخایر نفتی تقریباً نیمی از میزان دهه ۸۰ میلادی است.

آمریکا به تازگی واردات نفت ایران و لیبی را ممنوع اعلام کرده‌است و از متحدان خود خواسته است تا از او پیروی کنند. ظرفیت ۳/۶ میلیون بشکه در روز ایران در حال حاضر با آمارهای آمریکا در مورد ظرفیت ذخیره جهانی نفت مطابقت دارد. بنابراین، اگر آمریکا در متقاعد ساختن متحدان خود در تحریم نفتی ایران توفیق می‌یافت (بدون در نظر گرفتن لیبی و احتمالاً نیجریه) ظرفیت کل ذخایر بطور ناگهانی تمام می‌شد، حتی اگر سایر تولیدکنندگان که دارای ذخایر اضافی می‌باشند، با افزایش تولید خود موافقت کنند. (فرضیه خوش‌بینانه). با طرح این سناریو، قیمت‌های نفت خام بلافاصله افزایش شدیدی می‌یابند؛ زیرا شرکتهای نفتی تلاش خواهند کرد تا ذخایری ایجاد کنند که شامل برگشت به ماهیت قابل پیش‌بینی از سوی مدیریت انبار بوده که تورم و کاهش فعالیت‌های اقتصادی را در پی خواهد داشت.

استراتژی پروزی ایران^۱

توضیحات فرهنگی - تاریخی وقایع سیاسی ممکن است قدیمی و کهنه شده باشد؛

1. "Gulf States News Letter" 26 Aug, 1996, Dr Andrew Rathmell International Center for Security Analysis, Department of War Studies, King's College London.

عربستان سعودی حمایت می‌کند یا نه، منحرف کننده‌است. مطمئناً ایران اگر از نظر سیاسی در وضعیت مناسبی قرار داشت، این چنین می‌کرد. گرچه در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که این تاکتیک را مفید تشخیص دهد. ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل مخالف است و از گروه‌های مسلح اسلامی حمایت می‌کند. ایران درگیر تقویت ساختار نظامی خود از جمله تحقیق در مورد سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و تا حدی هسته‌ای است.

ولی این عوامل که آمریکا آن را رفتاری "غیرقابل قبول" می‌نامد را صرفاً باید به مثابه سمبلهایی فرض کرد. هر دو دولت پی برده‌اند، چیزی که در خطر است قابلیت آمریکا در شکل‌دهی خاورمیانه طبق تمایلات خود، اسرائیل و متحدان عرب خویش است.

سیاست‌های مبهم و روشن

در بازی مهمی که ایران و آمریکا در آن نقش دارند، جزئیات اتهامات آمریکا به ایران از جمله افشای وجود اردوگاه‌های آموزش تروریستها در ایران و یا ایراد اتهام در مورد بمب‌گذاری ۸۰۰-TWA، بخشی از جنگ تبلیغاتی - روانی را تشکیل می‌دهد.

به هر حال در این بازی، سیاست‌گزاران آمریکا به لحاظ وجود تعصبات، بی‌کفایتی، بی‌نظمی در سیاست‌های کنگره و برخوردی حاکی از بی‌توجهی، بشدت تضعیف شده‌اند. رهبران ایران برعکس سیاست پیچیده و چندگانه‌ای را طراحی می‌کنند. گرچه دچار تنگناهای اقتصادی

با نگاهی به جزئیات پیچیده روند سیاست‌گذاری ایران، مشاهده می‌کنیم که آقای رفسنجانی و رقبای افراطی او، در اهداف سیاست خارجی و امنیتی توافق کامل دارند. آنها می‌خواهند تفوق جغرافیایی و دموگرافیک ایران در خلیج فارس، در نقش ژئواستراتژیک این کشور نیز منعکس شود. آنها درصدد هستند که ایران رهبری موج نارضایتی در برابر تفوق آمریکا را که در جهان اسلام مشاهده می‌شود، به عهده گیرد. آنها همچنین مایل‌اند تا در روند صلح اعراب و اسرائیل خدشه وارد کنند تا مطمئن شوند، ایران منزوی نخواهد شد و هدف نیروهای اسرائیل، آمریکا و کشورهای "میان‌رو" عرب قرار نمی‌گیرد.

جزئیات چگونگی دستیابی به این اهداف و میزان تطابق آنها با نیاز شدید ایران به سرمایه و تجارت خارجی موضوع بحث‌های داخلی است. آقای رفسنجانی و مشاوران او باید مسیر دقیقی را از میان اهداف متفاوت این سیاست‌ها دنبال کنند. با وجود این، دولت فعلی ایران به این اهداف متعهد است و دولت‌های آتی نیز تا زمانی که نظام جمهوری اسلامی برقرار باشد و ملی‌گرایی ایران مایل به شناساندن ایران به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای باشد، همین سیاست را در پیش خواهند گرفت.

بازی تروریسم

با وجود این واقعیتها، بحث در مورد اینکه آیا ایران از عملیات تروریستی علیه آمریکایی‌ها چه در داخل آمریکا و چه در

میلیون دلار در سال در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند، مورد تحریم قرار می‌داد. اتحادیه اروپا که از تحریمهای شخص ثالث آمریکا علیه کوبا آزاده شده بود، تهدید کرد که قانونی را در جهت حمایت از شرکتهای اروپایی در مقابل اقدامات تلافی جویانه آمریکا به تصویب می‌رساند.

ایجاد اختلاف

به‌رغم واکنش شدید اروپا، کشورهای اروپایی با آمریکا در مورد تهدید ایران توافق ندارند. در ماههای اخیر، دولت جان میچر، موضع سختی در قبال تروریسم مورد حمایت ایران گرفته است. آلمان که دارای منافع عظیم تجاری در ایران است، خطرات برنامه هسته‌ای ایران را مورد تأیید قرار داد. آمریکا با اتخاذ سیاست اخیر خود که اغلب تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی کوتاه مدت در داخل قرار دارد، به‌جای بهره‌برداری از این تحولات در مخالفت با رفتار ایران، به همکاری فرانس آتلانتیکی آسیب رسانده است.

ایران از این امر به خوبی بهره‌برداری کرده است. وزیر خارجه ایران، اعلام کرد که "واکنش منفی در قبال این طرح توسط کشورهای مختلف، دولت آمریکا را به تعجب واداشته است". برخلاف آمریکا که رفتارش طبق قانون مورد تردید است، ایران متن شکوایه خود را به دادگاه لاهه تسلیم کرده است.

ایران نسبت به اعمال تحریمهای ثانویه توسط آمریکا و اختصاص بودجه ۱۸ میلیون

و نظامی هستند، ولی اخیراً به موفقیتهایی دست یافته‌اند.

تا زمانی که ایران خود را قوی و قدرتمند جلوه ندهد و آمریکا را به حمله نظامی تحریک نکند، می‌تواند از آمریکا موفق‌تر باشد.

تأثیرات نامطلوب استراتژی آمریکا

سیاست آمریکا در قبال ایران، یعنی "مهاردوگانه" موفقیتهایی را در برداشته است. فشار آمریکا بر روسیه و چین آنها را متقاعد ساخت تا کمکهای نظامی و هسته‌ای خود به ایران را محدود سازند، و از تلاش ایران، در توسعه و تقویت سلاحهای متعارف و دستیابی به سلاحهای هسته‌ای کاسته شود. فشار بر ژاپن درخصوص عدم اعطای وام به ایران مانع پیشرفت پروژه‌های عمده از جمله طرح نیروگاه برقی - آبی رود کارون گردید. در این ماه، وزارت دارایی آمریکا، بانک سومیتومو ژاپن را وادار ساخت تا عملیات صدور چکهای مسافرتی در ایران را متوقف سازد.

ولی این سیاست بقدری بدون فکر اجرا گردید که تأثیرات متناقضی از جمله انزوای بیشتر آمریکا در مقایسه با ایران را در برداشت. از طرفی با تشویق شخصیتهایی نظیر داماتو، دولت کلبیتون شرکای اروپایی خود را با مجموعه‌ای از تحریمهای تجاری که ممکن است حداقل در کوتاه مدت به شرکتهای اروپایی بیش از ایران لطمه بزند، خشمگین ساخته است. لایحه داماتو که از طرف کاخ سفید مورد پذیرش واقع شد، شرکتهای خارجی را که بیش از ۴۰

در مبارزات انتخاباتی متعهد به انجام آن شده بود.

قرارداد عرضه گاز در زمان چیلر، نخست وزیر سابق ترکیه مورد مذاکره قرار گرفته بود، ولی انعقاد سریع آن در طول دیدار اربکان از ایران حاکی از تمایل دو دولت به برقراری یک ارتباط معنادار سیاسی و تجاری می‌باشد. این قرارداد، شامل احداث لوله‌های گاز است که از طریق آن ایران از ۱۹۹۹ هرساله ۲ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه ارسال و در ۲۰۰۵ این حجم را به ۱۰ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد داد. تحلیل گران، ارزش این معامله را ۲۳ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. مقامات ترکیه تأکید می‌کنند که این معامله لایحه داماتو را نقض نمی‌کند؛ زیرا متضمن سرمایه‌گذاری در ایران نمی‌باشد. در عین حال مقامات نفتی ترکیه تمایل خویش را به احداث لوله‌های گاز در داخل ایران مخفی نساختند.

پیشنهاد اربکان در مورد یافتن راه حلی در خصوص مسئله اکراد جالب بود. او خواستار برگزاری اجلاس منطقه‌ای با شرکت ترکیه، ایران، عراق، سوریه و حزب دموکراتیک کردستان^۱ و اتحادیه میهنی کردستان^۲ گردید. گرچه احتمال تشکیل این چنین اجلاسی وجود ندارد، ولی این پیشنهاد ضربه‌ای به آمریکا بود که سعی در محدود کردن نفوذ فزاینده ایران در شمال عراق دارد.

دلاری توسط کنگره جهت اجرای عملیات مخفی در بی‌ثبات سازی دولت این کشور، اعتراض نموده است. ایران با این اقدام، خود را نسبت به قوانین بین‌المللی پای‌بند و متعهد جلوه داده، اما آمریکا برخلاف ایران از اقدامات پنهانی حمایت می‌کند.

مانور ترکیه

دومین اقدام مهم ایران، نزدیکی با دولت ترکیه از طریق "اربان" بود. در حالی که واشنگتن با اکراد دولت جدید ترکیه را به رسمیت شناخت و به‌طور غیر رسمی اعلام کرد که از نخست وزیر ترکیه انتظار دارد تا به تعهدات بین‌المللی کشورش احترام گذارد، ایران از این فرصت در جهت نزدیکی به آنکارا استفاده کرد.

اربان در اولین دیدار خود از یک کشور خارجی، از زمان دستیابی به سمت نخست وزیری، به محض ورود به تهران در ۱۰ اوت، جهت انجام یک دیدار ۳ روزه، با آیت الله خامنه‌ای و آقای رفسنجانی ملاقات کرد. مهم‌ترین دستاورد سفر وی امضای توافقنامه تولید و عرضه گاز به مدت ۲۳ سال بود. همچنین، طرح عمده‌ای در جهت هماهنگی سیاست‌های دو کشور در قبال اکراد ارائه گردید. این دو اقدام، چالشهای چشمگیری در قبال سیاست آمریکا در منطقه ایجاد کرد و به رغم "میانه روی" که در اولین روزهای به قدرت رسیدن اربکان مشاهده می‌شد، این اقدام اولین مورد در اجرای قولهایی به شمار می‌رفت که وی

1. KDP

2. PUK

باوجود این، ایران درصدد ایجاد هراس در منطقه نسبت به واکنش بیش از حد آمریکا از طریق انجام تبلیغات و قدرت نمایی می‌باشد. تهران بیشترین سعی خود را در جهت ارائه تصویری از آمریکا که درصدد دامن زدن به تشنج‌ها و ایجاد عداوت و دشمنی می‌باشد، به کار می‌برد. در ۹ اوت، آیت‌الله جنتی یکی از اعضای شورای نگهبان، در مراسم نماز جمعه هشدار داد که "به نظر می‌رسد آمریکا غیر منطقی رفتار کرده و تحت تأثیر صهیونیستها قرار دارد". ایران اعتراض خود را نسبت به حمله نیروی دریایی آمریکا به کشتی‌ها و هواپیماهای خود اعلام کرده است. نماینده دائم ایران در سازمان ملل در اوایل آوریل ۱۹۹۶ در مورد عبور هواپیماهای آمریکا بر فراز ابوموسی و بوشهر اعتراض نمود. حتی اگر آمریکا در صدد توجیه اقدام خود برآید، تبلیغاتی که در مورد این شکایات صورت گرفت، این برداشت را در اذهان به وجود می‌آورد که آمریکا مایل به درگیری است.

در عین حال، ایران اعلام کرده است که هرگونه مواجهه با آمریکا یک طرفه نخواهد بود. وزیر امور خارجه ایران، در مصاحبه با روزنامه "الحیات" اعلام کرد که "به هر متجاوززی که به خود اجازه و یا جرأت حمله به ایران را بدهد، درس فراموش نشدنی خواهیم داد". در ماههای اخیر، ایران به انجام یک سری مانورهای آبی-خاکی دست زده است. براساس گزارشها، سپاه

ایران و ترکیه در مورد اقدامات امنیتی مشترک جهت کنترل فعالیت حزب کارگران ترکیه^۱ موافقت کردند. کمیته امنیتی مشترک از ناحیه مرزی بازدید کرده و پیشنهادهای ارائه گردید که به موجب آن دو طرف اقداماتی جهت توسعه امنیت انجام خواهند داد. گرچه این توافقنامه گام منطقی در مبارزات ترکیه بر ضد حزب کارگران ترکیه محسوب می‌شود، از دید ایران این توافق نشان پیروزی دیگر این کشور در تلاش جهت ایجاد اختلاف میان آمریکا و ترکیه به شمار می‌رود.

نمایش قدرت نظامی

مانورهای دیپلماتیک ایران، آمریکا را در رابطه با اروپا و ترکیه به اشتباه انداخته است. در صحنه اصلی مواجهه ایران و آمریکا، یعنی خلیج فارس، ایران از بی‌توجهی آمریکا بهره‌برداری کرد. آمریکایی‌ها معتقدند که ایران در بمب‌گذاری خوب دست داشته و وزارت دفاع آمریکا در بررسی وضعیت امنیت جهانی، ایران را به عنوان یک تهدید جدی معرفی نمود. شایعه حمله هوایی احتمالی آمریکا به ایران قبل از انتخابات ریاست جمهوری این کشور در ماه نوامبر، بر سر زبانها بود.

اکثر این شایعات، فرضیه‌ای بیش نیست. یک افسر ارشد نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس، به نام آندره مل، فرمانده ناوشکن HMS York، اخیراً اظهار داشت که او هیچ‌گونه فعالیتی را از جانب نیروی دریایی آمریکا در ارتباط با ایران مشاهده نکرده است.

1. PKK

صرفاً به کشورهای عضو شورا آسیب رساند. موفقیت این سیاست ایران، بیشتر در ابوظبی قابل مشاهده است. النهیان و مشاوران امنیتی وی به تهدید بلند مدت از جانب ایران متقاعد گردیده و نسبت به مقاصد نظامی و سرکوب‌گرایانه ایران بشدت نگران می‌باشند. ولی آنها قصد ندارند به مواجهه با ایران دامن زنند؛ زیرا به لطمات نظامی و اقتصادی که به امارات متحده وارد خواهد شد، کاملاً واقفند. هشدارهای ایران به شدت بر بیم آنان نسبت به حملات شدید و تهاجمی آمریکا و تصمیم ایران در گرفتن انتقام از متحدان آسیب پذیر آمریکا در منطقه می‌افزاید.

قابلیت نفوذ ایران

بازی ایران بشدت به توانایی آن کشور در سراسر منطقه متکی است. در طول تاریخ، قدرتهای عمده و مسلح، جنگ با این تهدید را مشکلی تقریباً فائق نیامدنی یافتند. ایران نسبت به آسیب پذیری مخالفان خود آگاه است و به تلاشهای دیپلماتیک و تبلیغاتی از طریق اقدامات نهانی، ادامه می‌دهد.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به خوبی واقفند که تاچه حد نسبت به تروریسم و سرکوب، با وجود در اختیار داشتن نیروی پلیس و دستگاههای اطلاعاتی پرهزینه آسیب پذیرند. ایران آنها را نسبت به قابلیت خویش در ایجاد اغتشاش و ناآرامی در کشورهايشان آگاه نموده است. محمد الجاسم، معاون سردبیر روزنامه کویتی "الوطن"، به تازگی

پاسداران انقلاب اسلامی نیز اقدام به تقویت نیروی موشکی ضدناو "گرم ابریشم" در جزیره ابوموسی نموده است. این مانور پس از اقداماتی از جمله احداث فرودگاه در ابوموسی و نیروگاه در تنب بزرگ انجام شد.

ایجاد هراس در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

این استراتژی دوگانه هدف این کشور در ترساندن متحدان آمریکا در شورا را برآورده می‌سازد. بحرین نگران مقاصد سرکوب‌گرایانه ایران است. در حالی که علائم اندکی دال بر حمایت ایران از شورشهای مسلحانه وجود دارد، روشن است که دستگاههای تبلیغاتی ایران به مشکلات دامن می‌زنند. در حالی که منامه به حمایت آمریکا متکی است، به خوبی آگاه است که ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا نمی‌تواند در مقابل تلاشهای سرکوب‌گرایانه ایران از این کشور حمایت به عمل آورد.

ایران، قطر را به طرز ماهرانه‌ای به بازی گرفته است. ایران با انجام چند معاهده تجاری و نظامی دوستانه، به دوحه کمک کرده است تا برخورد غیر قابل کنترل خود را در شورای همکاری خلیج فارس حفظ کند. دویی و شارجه دلیلی برای مخالفت با ایران حتی در مورد ابوموسی نمی‌بینند. احتمال درگیری نظامی آمریکا آنها را نگران و مایل به آرام کردن تشنجات نموده است. روزنامه‌های "الخلیج" شارجه و "البیان" دویی اخطار کردند که تحریمهای جدید آمریکا علیه ایران ممکن است

ایران به تازگی مهمات بیشتری شامل راکت‌های جدید و تجهیزات پیشرفته نظامی برای حزب‌الله ارسال کرده‌است.

ایران به غیر از گوشمالی دادن آمریکا در لبنان، یادآوری کرده است که چنانچه آمریکا به ناآرامی دامن زند، روزهای بد گذشته باز خواهد گشت. حزب‌الله نیز اخطار کرده است که مواجهه میان آمریکا و ایران "عواقب خطرناکی" برای آمریکا به دنبال دارد، که این خود اثبات‌کننده قابلیت عملیات تروریستی این گروه در سطح جهان می‌باشد.

پس از اظهارات مایکل پرتیلو، وزیر دفاع انگلیس که اشاره به حمایت نظامی این کشور از آمریکا داشت، آقای رفسنجانی رسماً رئیس مجمع مسلمانان انگلیس را به حضور پذیرفت.

قداره و شمشیر

همه کودکان انگلیسی، داستان مبارزه "ریچارد شیردل" که قداره وی می‌توانست سنگ را خرد کند و "سالادین" که شمشیر وی قادر بود یک تکه پارچه ابریشمی را دونیم کند، را در مدارس می‌آموزند که می‌تواند بیانگر مبارزه امروز میان آمریکای بی‌توجه و زورمند و ایرانی ضعیف ولی زیرک باشد.

حقیقت این است که انگیزه و یا شیوه ایرانیان هرچه باشد، آنها در بازی ژئوپلیتیک در مقایسه با آمریکایی‌ها با مهارت بیشتری عمل می‌کنند.

امکان حمله نیروی هوایی و دریایی

اخطار کرد که نیروهای امنیتی کویت بشدت نگران فعالیتهای سیاسی کارگران مهاجر ایرانی در این امیر نشین می‌باشند. البته، فعالیتهای ایران به منطقه خلیج فارس محدود نشده است. لبنان، صحنه اصلی عملیات این کشور به شمار می‌رود. حزب‌الله ابزار مؤثری در تحریک آمریکا و اسرائیل به نشان دادن واکنش بیش از حد که به اعتبار آنان در منطقه و جهان لطمه می‌زند، محسوب می‌شود. نمونه این مورد، عملیات تهاجمی "خوشه‌های خشم" در آوریل گذشته است. ایران بخوبی آگاه است که اوج‌گیری حملات حزب‌الله به افزایش اعتبار آن در اکثر کشورهای عربی می‌انجامد که البته از دید اروپا ضرر زیادی نمی‌رساند، ولی واشنگتن را بشدت خشمگین می‌سازد.

تحولات اخیر نشانگر تداوم

بهره‌برداری از این ابزار است. حملات حزب‌الله به نیروهای اسرائیل و جنوب لبنان و حملات جنبش امل یعنی میلشای شیعه سوریه، افزایش یافته است. طبق گفته ژنرال امیرالمولین، فرمانده نظامی منطقه شمال اسرائیل، در حال حاضر در درگیری‌های لبنان، ایرانیان مشارکت بی‌سابقه‌ای دارند.

وی که در تلویزیون اسرائیل سخن می‌گفت اعلام کرد که مشاوران نظامی ایران در مواضع حزب‌الله دست به عملیات می‌زنند و تاکتیکهای حزب‌الله را که منجر به وارد آمدن تلفات سنگین به اسرائیلی‌ها و ضایعات اندک به حزب‌الله می‌گردد، هدایت می‌کنند. افسران ارشد نیروهای ارتش اسرائیل نیز ادعا کرده‌اند که

آمریکا به تأسیسات اتمی و پایگاههای آموزش نظامی در ایران وجود دارد. نیوت گینگریچ، رهبر جمهوری خواهان در کنگره، کلپتون را در وارد آوردن فشار به ایران جهت تعطیل کردن اردوگاههای آموزش نظامی مورد چالش قرار داده و هشدار داده است که "ایران بطور پنهانی در شرف جنگ با آمریکا" می باشد. براساس گزارش مطبوعات، وینيام پری، وزیر دفاع آمریکا، پاریس و لندن را در مورد طرحهای خود در رابطه با حملات موشکی و هوایی به اهداف

ایران، توجیه کرده است.

این حملات منجر به شکست نظامی ایران می شود. با این وجود، تهران می تواند از این ضربه به عنوان پیروزی تبلیغاتی در داخل و خارج استفاده کند. حملات آمریکا راه را برای ایران جهت تضعیف روابط بین آمریکا و متحدان آن در اروپا و خلیج فارس هموار خواهد ساخت.

ترجمه: مرضیه ساقیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی